

روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی

ام البنین چابکی^۱

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۳/۲۰، تاریخ پذیرش ۹۶/۱۰/۰۹)

چکیده

مطالعه حاضر پژوهشی کیفی با هدف شناسایی عوامل تجرد قطعی در دختران است. افزایش میزان تجرد در جامعه ما نشان‌دهنده نوعی ناهنجاری در نهاد ازدواج است. پیامدهای تجرد به ویژه برای زنان، ضرورت بررسی علل و عوامل بروز این پدیده را مورد تأکید قرار می‌دهد. اطلاعات، از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته گردآوری شد. جامعه مورد مطالعه را دختران ۴۵ سال و به بالای شهر تهران که خودخواسته قصد ازدواج ندارند، تشکیل می‌دهند که از میان آن‌ها ۲۳ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از تکنیک گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها، از فن تحلیل موضوعی (تم) استفاده شد. پس از مرور و سازماندهی متن مصاحبه‌ها، کدگذاری و شناسایی مفاهیم اولیه صورت گرفت. مفاهیم ذیل ۹ مقوله جای داده شدند. این مقولات در قالب سه مقوله محوری: نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج، تغییر نگاه نسبت به جایگاه دختران در خانواده و شرایط اجتماعی کاهش دهنده جاذبه ازدواج طبقه‌بندی شدند. با توجه به مقولات محوری، مقوله هسته "آرمان‌گرایی برآمده از ارزش‌های فرامادی" شکل گرفت. **واژگان کلیدی:** تجرد قطعی، دختران، ارزش‌های مدرن، نظریه زمینه‌ای.

^۱ . استادیار دانشگاه الزهراء b.chaboki@alzahra.ac.ir

مقدمه و بیان مساله

تحولات مرتبط با ازدواج در کشور ما طی دهه‌های اخیر، این سنت مورد تأکید اسلام را دچار تغییراتی کرده که افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی از جمله آن‌هاست. بر اساس آمار منتشر شده مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، نزدیک به ۶۰ هزار (۵۸ هزار و ۱۸۶) دختر ۴۰ ساله و به بالا در مناطق شهری استان تهران وجود داشته است (سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۹۱). در حال حاضر این رقم به گفته مدیرکل اطلاعات و آمار جمعیت و مهاجرت سازمان ثبت احوال برای دختران هرگز ازدواج نکرده بالای ۵۰ سال به ۹۰ هزار نفر رسیده است؛ در حالی که این میزان برای مردان ۵۰ سال به بالای هرگز ازدواج نکرده ۶۲ هزار نفر است.^۱ این آمار نشان می‌دهد در کشور ما تجرد قطعی در دختران، بیش از پسران است. گفته می‌شود مردان بیش از زنان، به ازدواج احساس نیاز می‌کنند در حالی که زنان بیش از مردان معتقدند که بدون ازدواج می‌توان زندگی رضایت‌بخشی داشت (کافمن و گلدشنایدر^۲، ۲۰۰۷). داگلاس^۳ (۲۰۱۰) زنانی را دارای تجرد قطعی می‌داند که هنوز ازدواج نکرده و سن معمول برای ازدواج را پشت سر گذاشته‌اند. فرهنگ آکسفورد نیز با تعریفی مشابه از این واژه، آن را شامل زنان مسنی دانسته که سن مناسب برای ازدواج را از دست داده‌اند.^۴ سن تجرد قطعی در زنان و مردان در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف متفاوت است. در ایران با توجه به تعاریف ارایه شده در منابع مختلف، شروع سن تجرد قطعی دختران بین ۴۰ تا ۵۰ سال ذکر شده است (حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۳). تجردگزینی دایمی می‌تواند به دلایل مختلف فردی و اجتماعی رخ دهد. هدف پژوهش حاضر، مطالعه دلایل تجردگزینی دختران دارای تجرد قطعی شهر تهران و پیدا کردن حلقه مفقوده‌ای است که در این رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش‌های موجود، اغلب بیانگر آن است که رواج ارزش‌های مدرن از علل اساسی نابه‌هنجاری‌های ازدواج در دنیای امروز است. در حالی که با توجه به گستره سنی این زنان، می‌توان گفت که بسیاری از آنان سال‌های جوانی خود را در فضای ارزشی (دوران انقلاب و جنگ) سپری کرده و به ارزش‌های اسلامی تقید داشته‌اند. بنابراین گونه‌ای تناقض و ابهام در این زمینه دیده می‌شود. بدین معنا که از یک سو ارزش‌های مدرن

¹ mehrnews.com/news/2569343/۱۳۹۶

² Kaufman & Goldschneider

³ Douglas

⁴ https://en.oxforddictionaries.com

می‌بایست سبب تجردگزینی در زنان شده باشد و از سوی دیگر بر اساس ارزش‌های اسلامی، این افراد نمی‌بایست مجرد بمانند. پس علت یا علل تجردگزینی چیست؟ دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران تجردگزینی خود را چگونه روایت می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

پدیده تجردگزینی که از شاخص‌های دوران معاصر و به بیان بهتر مدرنیته دوم است، خاص کشور ما نبوده و در کشورهای پیشرفته و در حال گذار نیز رو به افزایش است. در اروپا و آمریکا، زندگی در تجرد و یا هم‌خانگی با شریک عشقی بدون ازدواج، امری عادی است (United Nations, 2014). درصد دختران کشورهای عربی که تا ۳۹ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند، شاهد خوبی برای بیان تغییرات جهانی ازدواج است؛ زیرا احتمال ازدواج پس از ۴۰ سالگی بسیار کم می‌شود (رشاد و همکاران، ۲۰۰۵). به اعتقاد برخی نمی‌توان از تجرد قطعی صحبت کرد؛ چون افراد در هر سنی می‌توانند ازدواج کنند. اما باید توجه داشت جاذبه زنان برای ازدواج پس از رسیدن به سن معینی (حدود میانگین سن ازدواج) از دست می‌رود (آدامزیک^۱، ۲۰۱۶: ۲۴). ضمن آن که در برخی جوامع که یکی از اهداف ازدواج ادامه نسل و فرزندآوری است، احتمال ازدواج دختران بیش از ۴۵ سال به کمترین میزان می‌رسد و دختران بالاتر از این سن فقط در شرایط استثنا امکان ازدواج می‌یابند. در واقع شرایط دختران و پسران مجرد یکسان نیست و پسران سال‌های بیشتری می‌توانند در تجرد بمانند (همان: ۲۳). تجردگزینی دایمی (تجرد قطعی)، علل مختلفی اعم از خواسته یا ناخواسته دارد که در پژوهش‌های مختلف به آنها پرداخته شده است. نتایج پژوهش‌های بسیاری نشان می‌دهد که مهم‌ترین علت به تغییر ارزش‌ها و اهمیت یافتن آزادی و استقلال در تصمیم‌گیری برمی‌گردد که زنان تحصیل‌کرده و شاغل بیشتر از آن برخوردارند. در بسیاری از کشورها، تحصیلات زنان، بر برداشت آنان از ازدواج و تصمیم‌گیری در مورد آن تأثیر داشته است (برگ- کراس^۲ و همکاران، ۲۰۰۴، تنتوری و منکارینی^۳، ۲۰۰۸). ادامه تحصیل در هر حال سبب می‌شود سن دختران افزایش یابد و آنان رفته رفته به سن تجرد قطعی برسند^۴.

¹ Adameczyk

² Berg-Cross

³ Tanturri & Mencarini

⁴ www.islamweb.net/womane/printarticle.php?id=149275/2017/4/7

نیاز والدین به درآمد دختر شاغل نیز، در برخی موارد عامل بازدارنده ازدواج زنان می‌شود. نتایج برخی پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد برخی از پدران به حقوق دختر شاغل خود نیاز دارند و به همین دلیل از ازدواج آنان جلوگیری می‌کنند (همان). پورکتابی و غفاری (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی ملی با عنوان «علل افزایش سن ازدواج دختران»، دریافتند که دختران تحصیل کرده دیرتر ازدواج می‌کنند؛ پیامدهای منفی ازدواج را بیش از دستاوردهای مثبت آن می‌دانند و نسبت به ازدواج دید فرامادی دارند. ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰) در پژوهشی در خصوص عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان، تأثیر سطح تحصیلات و همچنین شهرنشینی را نشان داده‌اند. قائمی زاده و رسولی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای دریافتند که یکی از مهم‌ترین مشکلات بر سر راه ازدواج جوانان، دخالت‌های نابجای خانواده و نداشتن آزادی در انتخاب همسر است که در کنار عواملی چون عدم اشتغال و داشتن درآمد مناسب و تمایل به ادامه تحصیل، موجب تأخیر در ازدواج می‌شود. نتایج مطالعه کنعانی (۱۳۸۵)، نشان داد عامل نوسازی به ویژه در ارتباط با سطح تحصیلات تأثیر فراوانی بر افزایش سن ازدواج داشته است. حسینی و ایزدی (۱۳۹۵)، در پژوهشی، تجارب زنان مجرد را نسبت به زندگی مجردی بازتاب داده و به این نتیجه دست یافته‌اند که باوجود تفاوت در علل تجرد، بیشتر سوژه‌ها احساس دوگانگی نسبت به تجرد دارند. از یک سو از استقلال و آزادی ناشی از تجرد راضی و خشنود هستند و از سوی دیگر احساس تنهایی کرده و دیگران را به ازدواج توصیه می‌کنند. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی کیفی و با رویکرد نظریه زمینه‌ای، تجربه زیسته دختران مجرد شهر ایوان، را مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند تثبیت دال‌های پذیرفته شده ازدواج به مثابه نهاد حمایتی، جنسیتی شدن فضای عمومی و تقدیرگرایی در تجرد زنان نقش دارند. در این میان، محدودیت‌های پذیرفته شده به مثابه زمینه تسهیل گر و بازنمایی وابستگی در رسانه به منزله شرایط مداخله گر عمل کرده اند.

میترا (۲۰۰۴) با مطالعه‌ای در خصوص نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی بر سن ازدواج در نپال نشان داد نوسازی با تغییر ایده‌ها و ارزش‌ها، و میزان تحصیلات و بهبود موقعیت زنان بر ازدواج و تشکیل خانواده مؤثر بوده است. بشرا الخولی^۱ و همکارش (۲۰۱۱-۲۰۱۰) در مطالعه‌ای پیرامون علل تجرد قطعی زنان در مصر به این نتیجه دست یافتند که یکی از علل مهم تجرد قطعی دختران در مصر، عدم تمایل این دختران با مردانی است که از نظر تحصیلات در سطح پایینی قرار دارند. این در حالی است که مردان نیز ترجیح می‌دهند زنان

¹ Boshra El-Khouly

تحصیلاتی بیشتر از آنان نداشته باشند. دلیل دیگر، ازدواج مردان مصری با زنان خارجی است (برای فرار از مسئولیت‌های مالی ازدواج با زنان هم وطن). بر اساس نتایج این پژوهش، بیکاری جوانان نیز در این زمینه نقش مهمی دارد (همان: ۹۰-۹۱). نتویمو و ابانیه^۱ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با انجام ۲۷ مصاحبه عمیق با زنان ۳۰ سال و به بالای هرگز ازدواج نکرده در لاگوس نیجریه، دریافتند که استقلال اقتصادی و توانمندی اقتصادی و همچنین ترجیحات فرد در انتخاب همسر و نیز تجربیات زناشویی زنان متأهل، عوامل خانوادگی، باورهای فرهنگی، و تحصیلات بالا از عواملی بوده که موجب عدم گرایش دختران به ازدواج شده است. هولدگرن^۲ (۲۰۰۵) در بریتانیا با انجام پژوهشی کیفی، علل تجردگزینی را در ۳۷ زن ۳۵ تا ۸۳ ساله هرگز ازدواج نکرده، مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد تغییرات مهم مادی و فرهنگی برای زنان زمینه‌های فعالیت و فرصت‌های سرگرم کننده و تفریحی به وجود آورده و به تضعیف هویت‌های جنسیتی پیش بینی کننده همسری و مادری انجامیده است (هولدگرن، ۲۰۰۵).

پیشینه نظری

از نظر کوساگو^۳ فرایند نوسازی، با ترجیح خانواده هسته‌ای و فردمحوری (درمقابل خانواده محوری)، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند (کوساگو، ۲۰۰۰: ۳) برگ-کراس و همکارانش (۲۰۰۴) معتقدند توانمندسازی اقتصادی از دلایل مهم به تعویق افتادن ازدواج زنان و یا انصراف آن‌ها از ازدواج است. فرگوسن (۲۰۰۰) نیز افزایش فرصت‌های اقتصادی و استقلال زنان را سبب عدم تمایل آنان به ازدواج می‌داند. برخی نابرابری‌های جنسیتی را مانند دیگر شکل‌های نابرابری قدرت در ساختار اجتماعی و فرهنگی، علت اصلی افزایش تجرد زنان می‌دانند (یوشیدا^۴، ۲۰۱۷: ۱۰). این استدلال بیشتر توسط فمینیست‌ها به کار گرفته می‌شود. پاره‌ای از نظریه‌ها به تغییر ارزش‌ها و فردگرایی اشاره دارند؛ زیرا محوریت منافع فرد در

¹Ntoimo & Abanihe

²Huldtgren

³Kusago

⁴Yoshida

جوامع امروزی، بیشتر موقعیت سنتی زنان را متحول کرده است تا مردان (کافمن و گلدشنایدر، ۲۰۰۷).

بر اساس رویکرد گذار دوم جمعیتی، ترویج سبک زندگی فردی و الگوی جدید جمعیتی، سبب کاهش ازدواج شده است در حالی که هنجارهای سنتی، فرد (به ویژه دختران) را وادار به ازدواج می‌کرد (آدامزیک، ۲۰۱۶: ۲۱-۲۳). این نظریه بر گرایش فرد به فردگرایی و سکولاریزم و فاصله گرفتن از سنت تأکید دارد (یوشیدا، ۲۰۱۷).

برخی فایده - هزینه ازدواج را با توجه به تحول موقعیت زنان در جوامع امروزی مطرح می‌کنند. از این منظر فرد پیشرفت احساسی، اجتماعی و اقتصادی خود را در شرایط ازدواج و تجرد مقایسه می‌کند و در صورتی که هزینه آن را بیشتر ببیند، از آن امتناع می‌ورزد. بر اساس این رویکرد کسی ازدواج می‌کند که چیزی برای از دست دادن ندارد و احتمال می‌دهد با ازدواج موقعیت خود را ارتقا دهد (آدامزیک، ۲۰۱۶: ۷۹ و ۱۰۲).

برگ-کراس و همکارانش (۲۰۰۴) با تأکید بر نقش فردگرایی در این رابطه، رویکرد تغییر معیارهای همسرگزینی را در تجردگزینی اثرگذار می‌دانند و معتقدند از هنگامی که عشق به معیار اول انتخاب همسر بدل شد، زیبایی فیزیکی و معیارهای احساسی در این زمینه اهمیت یافت و اهداف فردی در برابر مصالح خویشاوندی قرار گرفت. این امر اشاره به استقلال فرد در انتخاب همسر دارد و از این رو تا فرد مورد نظر پیدا نشود، ازدواج به تأخیر می‌افتد. از دید اینگلهارت اشخاص برخوردار از سطح نسبتاً بالای امنیت مانند فرامادیون، انحراف از الگوهای خانوادگی را آسان‌تر از اشخاصی که درباره نیازهای طبیعی پایه، احساس اضطراب دارند، می‌پذیرند. بنابراین انتظار می‌رود فرامادیون دگرگونی فرهنگی را بیشتر از دیگران بپذیرند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۲). از این منظر زنان با دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی، از سطح نیازهای اولیه گذر کرده و به نیازهای فرامادی می‌اندیشند.

حال با توجه به این که در ایران نیز همانند دیگر جوامع، موقعیت اجتماعی زنان تغییر کرده است، باید دید که چه عواملی سبب تجردگزینی در دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران شده است. برای این منظور پژوهش حاضر، در صدد یافتن پاسخی برای این پرسش است که: دختران تجردگزين بالای ۴۵ سال چه روایتی از علل تجرد خود دارند و مهم‌ترین عامل را در این خصوص چه می‌دانند؟

روش پژوهش

از آنجا که شناسایی و دسترسی به دختران دارای تجرد قطعی به دلیل پراکندگی مکانی آنان، دشوار بود و از سوی دیگر ریشه‌یابی چنین موضوعی جز از طریق مصاحبه امکان پذیر نبود، روش پژوهش کیفی با راهبرد نظریه مبنایی برای انجام این تحقیق انتخاب شد. در این روش، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به گونه‌ای همزمان انجام می‌شود تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند (Glaser & Strauss, 1967). جامعه مورد پژوهش را زنان مجرد ۴۵ سال به بالای شهر تهران که خودخواسته ازدواج نکرده و یا دیگر قصد ازدواج ندارند، تشکیل می‌دهند. شمار افراد مورد مطالعه، ۲۳ نفر بوده است که به روش غیر احتمالی و به شکل هدفمند به روش گلوله برفی تا رسیدن به حد اشباع انتخاب شدند. مشخصات این افراد در جدول ۱ آمده است.

برای گردآوری اطلاعات، از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است پس از ضبط مصاحبه‌ها، داده‌ها مکتوب شدند و به صورت کلمه به کلمه مورد تحلیل قرار گرفتند. برای اطمینان از توافق‌پذیری^۱ درونی پژوهش، روش بررسی توسط مصاحبه شونده‌گان به کار گرفته شد؛ بدین معنا که از آنان خواسته شد تا مضامین و مقوله‌ها را مطالعه کنند و نظر موافق یا مخالف خود را در مورد آن‌ها بدهند. همچنین مبادرت به مقایسه‌های تحلیلی شد. بدین معنا که به داده‌ها رجوع شد و ساخت‌بندی مقولات با داده‌های خام مورد مقایسه قرار گرفت تا از درست بودن مقولات به دست آمده، یقین حاصل شود. برای اطمینان بیشتر از اعتبار بیرونی تحقیق، از روش تنوع منابع اطلاعات بهره گرفته شد. بدین معنا که مشارکت‌کنندگان در حد امکان از قشرهای مختلف انتخاب شدند تا دیدگاه‌های گوناگون مطرح شوند و اطلاعات جامع‌تر و عمیق‌تری در ارتباط با موضوع مورد پژوهش به دست آید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از مصاحبه‌ها، تحلیل موضوعی (تم) مد نظر قرار گرفت که در ۶ مرحله به اجرا در آمد:

- ۱) بررسی و مرور متن مصاحبه‌ها، ۲) سازماندهی متون، ۳) شناسایی مفاهیم و کدگذاری، ۴) طبقه‌بندی متون مشابه، ۵) مقوله‌بندی و ایجاد موضوع (تم) و ۶) تدوین گزارش نهایی (برای اطلاع بیشتر ر.ک: براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶: ۹۳-۸۸).

¹ credibility

² Braun & Clarke

روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

ردیف	کد مصاحبه شونده	سن	تحصیلات	شغل	نوع زندگی	مدت مصاحبه
۱	پ ۱	۴۵	کارشناسی	متصدی آزمایشگاه	با مادر و خواهر مجرد	۴۵
۲	م ۲	۵۱	کارشناسی	معلم دبستان	با پدر و مادر	۳۸
۳	ص ۳	۴۶	کارشناس ارشد	کارمند دانشگاه	با مادر	۵۶
۴	ی ۴	۴۸	دیپلم	شغل آزاد	با خانواده برادر	۳۵
۵	چ ۵	۶۲	دکتر	استاد دانشگاه	تنها	۵۵
۶	د ۶	۴۷	کارشناسی	کارمند وزارت نیرو	با مادر	۵۳
۷	م ۷	۴۹	کارشناسی	کارمند آموزش و پرورش	با مادر	۴۴
۸	ش ۸	۵۳	کارشناسی	دبیر بازنشسته	با خواهر و برادر مجرد	۵۳
۹	م ۹	۵۳	کارشناسی	کارمند تأمین اجتماعی	تنها	۶۲
۱۰	ج ۱۰	۵۵	دیپلم	غیر شاغل	با پدر	۳۶
۱۱	م ۱۱	۵۰	کارشناس ارشد	کتابدار	با پدر و مادر	۴۵
۱۲	ن ۱۲	۴۶	کارشناس ارشد	دبیر دبیرستان	تنها	۷۳
۱۳	ق ۱۳	۵۷	دکتر	دانشیار دانشگاه	تنها	۷۰
۱۴	ز ۱۴	۶۰	دیپلم	غیر شاغل	با مادر	۵۴
۱۵	ر ۱۵	۴۵	کارشناسی	پرستار بیمارستان	تنها	۵۰
۱۶	م ۱۶	۴۹	کارشناسی	پرسنل اداری بیمارستان	مستقل اما در کنار خانواده خواهر	۶۴
۱۷	م ۱۷	۵۶	زیر دیپلم	غیر شاغل	با مادر	۳۲
۱۸	م ۱۸	۵۴	دکتر	استاد دانشگاه	تنها	۴۸
۱۹	ف ۱۹	۴۷	دکتر	استاد دانشگاه	با مادر	۶۵
۲۰	ح ۲۰	۵۴	کارشناس ارشد	وکیل	تنها	۵۳
۲۱	س ۲۱	۵۸	دکتر	پزشک متخصص	تنها	۷۵
۲۲	الف ۲۲	۵۳	کارشناسی	پرستار خانگی	تنها	۳۲
۲۳	ت ۲۳	۶۰	کارشناس ارشد	دبیر	با پدر	۶۵

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده در مورد علل مجرد قطعی دختران

مقوله هسته	مقوله‌های محوری	مقولات	مفاهیم شناسایی شده
بدهال گرایی برآمده از ارزش‌های فرامادی در ارتباط با ازدواج	نگاه آرمان‌گرایانه به ازدواج	<ul style="list-style-type: none"> - الزامی ندانستن امر ازدواج - پیدا نکردن همسر هم‌کفو - ترس از تشکیل خانواده 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم تلقی ازدواج به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر - داشتن توانمندی لازم برای اداره یک زندگی مجردی - رضایت از زندگی مجردی - علاقه به تحصیلات دانشگاهی تا بالاترین سطح - حفظ استقلال و آزادی عمل - توجه به علایق شغلی و اجتماعی - عدم نگرانی از تأمین معاش در آینده - سخت‌گیری در انتخاب همسر و پیدا نکردن مرد هم‌کفو - ترس از طلاق با وجود فرزند - نگرانی از خیانت مرد
	تعبیر نگاه نسبت به جایگاه دختران در خانواده	<ul style="list-style-type: none"> - عدم حساسیت خانواده‌ها نسبت به مجرد دختران - ترغیب دختران به پیشرفت اجتماعی - نیاز عاطفی یا مالی خانواده 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم الزام دختران به ازدواج توسط خانواده - غیرعادی نبودن مجرد دختران برای خانواده‌ها - با اهمیت تلقی کردن تحصیلات دانشگاهی برای دختران - نیاز عاطفی خانواده به وجود فرزندی در کنار خود - نیاز مالی خانواده (پدر و مادر و یا فرزندان مجرد خانواده) - واگذاری امر تصمیم‌گیری برای ازدواج به دختران

روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی

<p>شرایط اجتماعی کاهش دهندهٔ حاذبهٔ ازدواج</p>	<p>- تغییر ملاک‌های موفقیت و شایستگی در جامعه - پذیرش اجتماعی تجرد دختران - شرایط بی‌ثبات-کنندهٔ زندگی زناشویی</p>	<p>- تحصیلات دانشگاهی به عنوان ملاک موفقیت در جامعه - برخورداری از استقلال مالی به عنوان نشانه‌ای از شایستگی - وجود زمینه‌های اجتماعی متنوع برای رهایی از تنهایی - پذیرش اجتماعی زندگی مجردی برای زنان - رواج طلاق در جامعه - رواج بی بند و باری در جامعه - بالا رفتن انتظارات مردان - عدم رضایت اغلب افراد متأهل از زندگی مشترک</p>
--	--	--

یافته‌های پژوهش

پس از مکتوب سازی متن مصاحبه‌ها و مرور سطر به سطر پاسخ‌های داده شده ابتدا ۵۴۶ عبارت معنایی استخراج شد که با کدگذاری باز، ذیل ۲۴ مفهوم قرار گرفتند. سپس مفاهیم نزدیک به هم در طبقه‌ای خاص جای گرفتند و برای هر یک از این طبقات، عنوانی که نمایانگر همهٔ مفاهیم آن طبقه بود، در نظر گرفته شد و به این ترتیب ۹ مقوله تعیین شد. سپس با کدگذاری محوری^۱ برای چند مقولهٔ مشابه، یک مقولهٔ محوری شکل گرفت؛ و در نهایت با تأمل در ۳ مقولهٔ محوری، اقدام به کدگذاری انتخابی^۲ و تعیین مقولهٔ هسته شد. مقولات شناسایی شده را، با استناد به گفته‌های مصاحبه شونده‌گان، در مجموع در سه مقولهٔ فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱- عوامل مرتبط با فرد

الزامی تلقی نکردن امر ازدواج

ازدواج دغدغهٔ اصلی برخی از افراد مورد مطالعه در این پژوهش نبوده و پیشرفت‌های اقتصادی از قبیل تحصیلات، اشتغال و استقلال اقتصادی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. تعدادی نیز با همین استدلال با اجتناب ناپذیری امر ازدواج مخالف بوده‌اند. ش ۸، ۵۳ ساله: «کی می‌گه ازدواج اجتناب ناپذیره؟ وقتی مورد مناسبی برای زندگی پیدا نشه چرا باید خودمون رو از چاله

¹ Axial Coding

² Selective Coding

به چاه بندازیم؟». ن ۱۲، ۴۶ ساله: «امروز دیگه مثل قدیما دخترا فکر نمی کنن که باید حتماً ازدواج کنن. با زیاد شدن تعداد دخترای تحصیل کرده مجرد این موضوع کم کم داره جا می افته». از دست دادن فرصت پیشرفت اجتماعی از دلایل تعدادی از مصاحبه شوندگان بود. ف ۱۹، ۴۹ ساله اعتقاد دارد که «ازدواج مانع پیشرفت اجتماعی زن میشه. دغدغه بسیاری ایجاد می کنه که نمیذاره به چیز دیگه ای فکر کنی». چ ۵، ۶۲ ساله: «پیش از انقلاب که هر دختری تا ۶ کلاس بیشتر درس نمی خوند من رفتم دانشگاه؛ و همین طور تا دکترا بالا آمدم و استاد دانشگاه شدم. دوست نداشتم این موقعیت را با ازدواج، خراب یا محدود کنم». س ۲۱، ۵۸ ساله: «از همون اول جوونی عطای ازدواجو به لقایش بخشیدم. از این تصمیم هنوز پشیمون نیستم. چون پیشرفت اجتماعی فعلی ام را مدیون مجرد بودنم هستم». تعدادی نیز علاقه به ادامه تحصیل را مانع اصلی ازدواج خود دانسته اند. ق ۱۳، ۵۷ ساله: «علاقه ام به تحصیل با این که خواستگاری خوبی هم داشتم باعث شد کمتر به ازدواج فکر کنم». بیشتر این دختران اطمینان دارند که به تنهایی می توانند زندگی خود را اداره کنند. ر ۱۵، ۴۵ ساله: «تو خودم این توانمندی رو می بینم که بتونم از پس زندگی بر بیام». م ۱۸، ۵۴ ساله: «این روزا خیلی از کارایی که مردا می تونن تو خونه انجام بدن را به راحتی می شه از بیرون تأمین کرد. مثلاً تعمیر وسایل خانه و یا نقل و انتقال وسایل زندگی و مانند اینها». برخی از این زنان بر این باورند که زندگی مجردی راحتی دارند. ف ۱۹، ۴۷ ساله: «اطرافیان متأهلم نه تنها از من راحت تر زندگی نمی کنن، بلکه درگیر مشکلات زیادی شده اند». از منظر برخی دیگر، دخترانی شوهر می کنند که ازدواج را تکیه گاهی اقتصادی می دانند. به همین دلیل اشتغال و یا استفاده از درآمد پدر سبب شده آنان اصراری برای ازدواج نداشته باشند. م ۱۷، غیر شاغل ۵۶ ساله: «لان من و مادرم با حقوق بازنشستگی بابام داریم زندگی می کنیم. نیازی نمی بینم که شوهر کنم و مادرم را تنها بگذارم». ح ۲۰، ۵۴ ساله: «حقوق بازنشستگی دارم. بابت خرج و مخارج زندگی مشکلی ندارم. چرا باید ازدواج کنم که خرجم با خودم باشه، اما مطابق میل دیگری زندگی کنم». ج ۱۰، ۵۵ ساله هم گفته است: «درآمد پدرم برای همه عمر من کافیه. نگران آینده و یا زمان پیری ام نیستم که بخوام خودمو مجبور به ازدواج کنم». ی ۴، ۴۸ ساله: «درآمد خوبی دارم و ترجیح میدم شوهر نکنم».

پیدا نکردن همسر هم کفو

دختران مورد مطالعه، اغلب گفته‌اند که به دلیل داشتن اعتقادات و ارزش‌های خاص خود، نتوانسته‌اند فردی را شایسته ازدواج خود ببینند. تقریباً تمام دختران دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا از استقلال رأی برای ازدواج برخوردار بوده‌اند و خانواده آنان با وجود تمایل به ازدواج فرزندشان، در این خصوص پافشاری نکرده‌اند. برخی به دنبال پیدا کردن هم‌کفو فرصت‌ها را ازدست داده‌اند. کفویت در ازدواج به معنای تناسب زن و مرد از نظر شئون اجتماعی تعریف شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۴۲). مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، اغلب کفویت را در معنای توافق فکری و تناسب روحی و اخلاقی و هم سطحی زن و مرد از نظر فرهنگ و موقعیت خانوادگی به کار برده‌اند. در انتخاب هم‌کفو، پاره‌ای اذعان داشته‌اند که دچار ایده‌آل‌گرایی شده‌اند. م ۲، ۵۱ ساله: «معیارهای زیادی برای انتخاب همسر داشتم. حالا که بر می‌گردم و به گذشته نگاه می‌کنم می‌بینم خیلی آرمانی در این مورد فکر می‌کردم». ص ۳، ۴۶ ساله: «به ارزش‌های خاصی پایبند بودم. به همین دلیل نتونستم فرد مناسبی را در بین خواستگاران پیدا کنم». د ۶، ۴۷ ساله نیز همین مورد را اظهار داشته است: «با کسانی که به عنوان خواستگار می‌آمدند، تفاهم ارزشی نداشتم». م ۱۸، ۵۸ ساله: «دنبال یه مرد واقعاً مذهبی برای ازدواج بودم، اما هیچکدوم اونی نبودند که من می‌خواستم».

ترس از تشکیل خانواده

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به دلایلی مانند: احتمال طلاق، خیانت مرد، محدود شدن آزادی‌های فردی و اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی، از تشکیل خانواده هراس داشته‌اند. م ۱۶، ۴۹ ساله: «زندگی مجردی مشکله، اما مطمئنم که اگه شوهر کرده بودم مشکلات بیشتری داشتم». الف ۲۲، ۵۳ ساله: «اگه ازدواج کرده بودم و به هر دلیلی مجبور به طلاق می‌شدم که وضع بدتر بود». ش ۸، ۵۳ ساله: «نمیشه به مردها اعتماد کرد. اگه زمینه برایشون فراهم بشه، به راحتی خیانت می‌کنن». برخی از مصاحبه‌شوندگان، علل دیگری برای تجرد خود ذکر کرده و علایق شغلی و ترس از محدود شدن یا از دست دادن آزادی در صورت ازدواج را عامل اصلی بی‌توجهی خود نسبت به ازدواج دانسته‌اند. م ۹، ۵۳ ساله: «با همکارم می‌رم سفر، سینما و تفریح. هرگز نخواستم با ازدواج این آزادی را از دست بدم». پ ۱، ۴۵ ساله: «وقتی می‌دیدم مادرم چقدر اسیر خونه و بچه شده می‌ترسیدم که با ازدواج آزادی و استقلالمو از دست بدم». م ۱۱، ۵۰ ساله: «خودمو که با خواهرای متأهلم مقایسه می‌کنم می‌بینم که من خیلی راحت‌تر و آزادترم و دغدغه‌های کمتری دارم».

۲- عوامل مرتبط با خانواده

دختران مورد مطالعه، نقش خانواده را در تجردگزینی خود در چارچوب مواردی چون: ترغیب دختران توسط خانواده به پیشرفت اجتماعی، عدم حساسیت آنان نسبت به تجرد دختران و نیاز عاطفی یا مالی خانواده به آنان، بازتاب داده‌اند.

اولویت خانواده‌ها برای پیشرفت اجتماعی دختران

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اولویت خانواده‌ها برای دختران تغییر کرده است. آنها توجه دختر خود را بیش از ازدواج به ادامه تحصیل و استقلال مالی جلب می‌کنند. درصد بالای دانشجویان دختر در کشور ما، می‌تواند مؤید اهمیت این امر برای خانواده‌ها باشد. ف ۱۹، ۴۷ ساله: «خانواده به خصوص پدرم خیلی اصرار داشت که درس بخونم و حتماً دانشگاه برم و بعد ازدواج کنم. خب من هم تا دکترا خوندم. بعد از آن، هم انتخاب همسر برایم سخت شد و هم انگیزه‌ام برای ازدواج کم شد». م ۱۱، ۵۰ ساله: «وضع مالی خانوادم خوب نبود. با بدبختی خرج مدرسه و بعد هم دانشگاه منو تأمین کردن تا به قول خودشون از این طریق بتونن سری تو سرا در بیارن».

نیاز عاطفی - مالی خانواده

نیاز خانواده به تأمین مالی توسط فرزند و یا وابستگی عاطفی و نیاز به مراقبت، در برخی از مصاحبه‌شوندگان سبب شده است که خانواده‌ها تمایلی به ازدواج آنان نداشته باشند. م ۱۱، ۵۰ ساله: «با پولی که در میارم هزینه زندگی پدر و مادر پیرم رو تأمین می‌کنم. اونارو به زیارت می‌فرستم و خونه رو سر و سامون میدم». م ۶، ۴۹ ساله: «مادرم تنها و مریضه. می‌گه اگه تو نبودى کی منو نگه می‌داشت؟ هیچ وقت دلم نیومد اونو به حال خودش رها کنم یا به دست پرستار بدم». م ۷، ۴۹ ساله: «دوست داشتم ازدواج کنم، اما بچه آخر خونه بودم. بعد از مرگ پدرم، دیگه به ازدواج فکر نکردم. چون مادرم خیلی از نظر عاطفی به من وابسته بود».

کاهش حساسیت خانواده‌ها نسبت به تجرد دختران

حساسیت خانواده‌ها نسبت به تجرد دختران، کاهش یافته و در حال عادی شدن است. نقش شبکه خویشاوندی در ازدواج جوانان کاهش یافته و فشار بستگان و به ویژه پدر و مادر برای ازدواج، کارایی گذشته را از دست داده است.

ر ۱۵، ۴۵ ساله: «خواستگار زیاد داشتم. هر بار خانوادم می‌گفتن این دیگه خوبه. بجنب؛ سن و سالت داره می‌ره بالا. با وجود این، خیلی اصرار نداشتن که ازدواج کنم». ز ۱۴، ۶۰ ساله: «خانوادم منو مجبور به ازدواج نکردن». م ۲، ۵۱ ساله: «مادرم می‌گه زمانی که دختر هم می‌تونه مثل پسر درآمد داشته باشه و کمک خونه باشه، چرا خانواده بخواد اونو از سرش وا کنه؟» ص ۳، ۴۶ ساله: «دیگه کسی با ازدواج زود هنگام دخترا موافق نیست. همه این رو به بعد موکول می‌کنن. یه وقت متوجه می‌شن که دیگه دیر شده». م ۱۷، ۵۶ ساله: «فرزند آخر بودم و به خانه شوهر رفتن من اصلاً برای خانوادم مهم نبود. فکر می‌کنم علتش این باشه که بچه آخر بزرگ شدنش دیر دیده می‌شه یا شاید هم اونا دوست نداشتن تنها بشن».

بر اساس یافته‌های این پژوهش، یکی از نشانه‌های عدم حساسیت خانواده‌ها نسبت به تجرد دختران، این است که آن‌ها اتخاذ این تصمیم مهم (ازدواج) را به خود دخترها واگذار کرده‌اند. ق ۱۳، ۵۷ ساله: «پدرم اختیار ازدواج را به خودم واگذار کرد. من هم هیچ وقت نتونستم در این مورد تصمیم قطعی بگیرم». م ۱۸، ۵۶ ساله: «خانوادم دوست داشتن ازدواج کنم. حتی هنوز هم منو برای این کار ترغیب می‌کنند؛ اما این تصمیم‌گیری سخت را به عهده خودم گذاشته‌اند». چ ۵، ۶۲ ساله: «خانوادم برای شوهر دادن من عجله‌ای نداشت. تجرد من اصلاً براشون غیرعادی نبود. انگار خیالشون از بابت من راحت بود. می‌گفتن دوست داری ازدواج کن، اگر هم نمی‌خواهی ازدواج نکن». ج ۱۰، ۵۵ ساله: «شرایط جامعه، پدر و مادرمو رو محتاط کرد و باعث شد اونا برای ازدواج من اصرار نداشته باشن».

۳- عوامل اجتماعی

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که عوامل اجتماعی نیز در تجرد قطعی دختران مورد مطالعه اثرگذار بوده است. این عوامل که خارج از اراده افراد، بر آن‌ها اثر می‌گذارد، در سه مقوله محوری، تغییر ملاک‌های موفقیت و شایستگی در جامعه، پذیرش اجتماعی تجرد دختران و شرایط اجتماعی کاهش دهنده ثبات و جاذبه زندگی زناشویی طبقه‌بندی شدند.

تغییر ملاک‌های موفقیت و شایستگی در جامعه

در جامعه ما ملاک‌های شایستگی و موفقیت زنان دگرگون شده است. امروزه تحصیلات بالا، اشتغال و داشتن مهارت‌های لازم برای خدمت به دیگران، از نشانه‌های موفقیت هستند. س ۲۱، ۵۸ ساله: بعد از انقلاب، دانشگاه رفتن به یک مسابقه بین دخترای جامعه تبدیل شد. الان هم از نظر خیلی‌ها اگه دختری دانشگاه نره یه چیز مهمی توی زندگیش کم داره. دانشگاه رفتن هم معیارهای ازدواج رو سخت می‌کنه». ت ۲۳، ۶۰ ساله: «پیدا کردن شغل برام خیلی

مهم بود. چون می دونستم در اجتماع به زن شاغل، به عنوان یه آدم موفق نگاه میشه». س ۲۱، ۵۸ ساله: «از بچگی آرزو داشتم آدم مهمی بشم. هیچ چیز با این آرزو برابری نمی کرد. فکر می کردم این طوری بهتر می تونم لیاقت و شایستگی خودمو ثابت کنم». الف ۲۲، ۵۳ ساله: «هر روز که از مهارت های شغلی ام برای سرویس دادن به یه مریض یا یک انسان ناتوان استفاده می کنم، احساس مفید بودن و موفق بودن می کنم».

پذیرش اجتماعی مجرد دختران

برخی از افراد مورد مطالعه در این پژوهش معتقدند که موضوع مجرد دختران به خصوص در شهر تهران امری پذیرفته شده است. ضمن آن که وجود امکانات اجتماعی گوناگون برای زنان در جامعه، در پر کردن اوقات تنهایی و در نتیجه عادی جلوه دادن زندگی مجردی نقش داشته است.

ر ۱۵، ۴۵ ساله: «خانواده ام شهرستانند. به خاطر شغلم، تهران زندگی می کنم. همسایه ها، دوستان و خویشان، زندگی مجردی من رو یه چیز غیر عادی نمی دونند. همه اونا با من رفت و آمد دارن». م ۹، ۵۳ ساله: «بعضی از زنان فامیل می گن خوش به حالت که شوهر نکردی. اگه می دونستیم ازدواج اینقدر دردسر داره هرگز ازدواج نمی کردیم». ش ۸، ۵۳ ساله: «همکارهای مجردم خیلی راحت تر از همکارهای متألم زندگی می کنن. اونا باعث شدن من زندگی مجردی را ترجیح بدم. خودم هم باعث شدم دو تا خواهر دیگم ازدواج نکنند». م ۱۱، ۵۰ ساله: «مسأله مجرد دخترا به خصوص در تهران، داره رایج می شه. الان تو فامیل خود ما ۵ دختر حدود ۵۰ سال وجود داره که ۲ تاشون تنها زندگی می کنن».

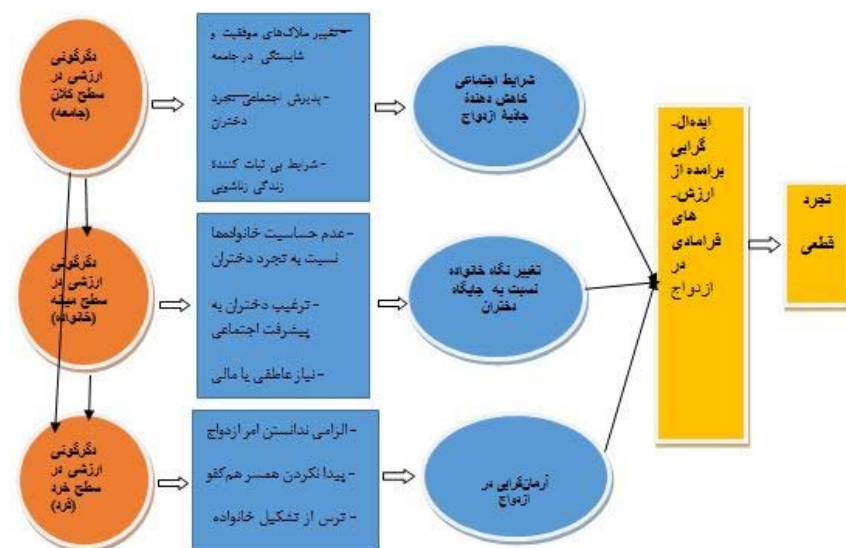
شرایط اجتماعی کاهش دهنده ثبات و جاذبه زندگی زناشویی

به گفته برخی از مصاحبه شوندگان، شرایط جامعه به گونه ای است که نمی توان نسبت به پایداری زندگی مشترک مطمئن بود. م ۲، ۵۱ ساله: «بالا رفتن طلاق در جامعه باعث میشه، آدمها برای ازدواج احتیاط کنن و هر خواستگاری را به خونه راه ندن. من هم خیلی ها رو چون نمی شناختم، ندیده رد کردم». م ۱۷، ۴۹ ساله: «ازدواج یه ریسکه. یه ریسک بزرگ. چه تضمینی وجود داره که در این آشفته بازار بی اخلاقی در جامعه، زن دیگه ای پاشو به زندگی آدم باز نکنه؟». ح ۲۰، ۵۴ ساله: «رسانه ها و فضای مجازی، انتظارات مردها رو از روابط

زناشویی بالا برده. خیلی از طلاق‌ها به همین دلیل صورت می‌گیره. دیگه به راحتی گذشته همیشه ازدواج کرد».

مدل مفهومی برآمده از پژوهش

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، پدیده تجرد قطعی دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران در پی ترکیب دگرگونی ارزشی در سه سطح کلان (جامعه)، میانه (خانواده) و خرد (فرد) رخ داده است. در سطح کلان تغییر ارزش‌های اجتماعی در مورد تجرد دختران، دگرگونی ارزش‌های مرتبط با شایستگی و موفقیت در جامعه، و شرایط و ارزش‌های اجتماعی کاهش‌دهنده ثبات و جاذبه زندگی زناشویی، سبب بروز سخت‌گیری در امر انتخاب همسر و در نهایت انصراف از ازدواج در این دختران (به گفته خودشان) شده است. در سطح خانواده‌ها نیز دگرگونی ارزشی، نگاه خانواده‌ها را نسبت به منزلت دختران تغییر داده و از حساسیت آن‌ها نسبت به تجرد دخترانشان کاسته است. دخترانی که اغلب، برای ازدواج دچار ایده‌آل‌گرایی بوده و در پی ناکامی در یافتن همسر مناسب به این نتیجه رسیده‌اند که تأهل، نه تنها به آنان چیزی را که می‌خواهند نمی‌دهد؛ بلکه آن‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی، آزادی و استقلال باز می‌دارد. در واقع ایده‌آل‌گرایی آنان از یک سو هزینه ازدواج را برای آنان بالا برده و از سوی دیگر جاذبه زندگی مشترک را کاهش داده است. با توجه به موارد بالا، مدل مفهومی برآمده از پژوهش در نمودار زیر ارائه شده است.



نمودار ۱: مدل مفهومی برآمده از پژوهش

نتیجه‌گیری

زنان مورد مطالعه در این پژوهش، در گستره سنی ۴۵ تا ۶۲ سال قرار داشته‌اند. بیشتر آنان شاغل بوده و یا هستند و تقریباً تمامی آنان منبع قابل اتکایی برای تأمین هزینه زندگی خود دارند. این افراد در خانواده پدری و در کنار پدر و مادر یا با یکی از آنها و یا با برادر و خواهر مجرد خود به سر می‌برند؛ یا در کنار خانواده خواهر و یا با خانواده برادر زندگی می‌کنند. ۹ تن نیز کاملاً مستقل و تنها بوده‌اند. جمع‌بندی یافته‌ها نشان می‌دهد تجرد این دختران، یا به دلایل فردی و شخصیتی و یا مرتبط با شرایط خانوادگی و اجتماعی بوده است. از این رو برخی دلیل تجرد قطعی خود را وسواس در انتخاب همسر و پیدا نکردن مرد هم‌کفو و هم‌شأن خود، اجتناب پذیری ازدواج، ترس از تشکیل خانواده (به خاطر احتمال خیانت مردان و طلاق و...)، اولویت تحصیلات و پیشرفت‌های اجتماعی ذکر کرده‌اند. این نتایج با یافته‌های پورکتابی و غفاری (۱۳۹۰) و ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰)، فرگوسن (۲۰۰۰)، بشرا (۲۰۱۱)، بننت و بلوم و کرایگ^۱ (۱۹۸۹) همسو است. برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز به شرایط خانواده برای ازدواج نکردن خود اشاره داشته‌اند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: شرایط خاص خانواده پدری، وابستگی مادی و معنوی والدین به آنان، واگذار کردن امر تصمیم‌گیری برای ازدواج به دختران، عدم اصرار خانواده به ازدواج آنان، با اهمیت دانستن تحصیلات دانشگاهی و استقلال مالی برای دختران. دسته سوم دلایل به موقعیت و شرایط جامعه مربوط می‌شود. تغییر معیارهای شایستگی و موفقیت زنان در جامعه (به دلیل اهمیت یافتن و گشوده شدن راه‌های پیشرفت اجتماعی برای دختران در جامعه)، پذیرش اجتماعی تجرد دختران، و شرایط اجتماعی اثرگذار بر اعتماد نسبت به تداوم زندگی مشترک (به دلیل رواج بی بند و باری در جامعه و بالا رفتن میزان طلاق و افزایش انتظارات مردان و خیانت آنان)، در این دسته از عوامل جای می‌گیرند. یافته‌های مرتبط با نقش عامل پیشرفت اجتماعی در تجرد دختران با یافته‌های هولدرن (۲۰۰۵) و میترا (۲۰۰۴) همسو است.

تأملی در علل و عوامل تجرد به روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران، نقش تغییرات ارزشی را در سطوح فردی، تغییر جایگاه دختران در خانواده، و تغییر شرایط اجتماعی در جهت کاهش جاذبه ازدواج آشکار می‌سازد. مواردی چون ارزش پیدا کردن تحصیلات و اهمیت یافتن استقلال و آزادی برای زنان، اجتناب پذیری امر ازدواج، انتخاب همسر دلخواه و در نتیجه

¹ Craig

وسواس در انتخاب همسر، ترس از تشکیل خانواده به خاطر احتمال خیانت مرد، طلاق و یا محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی، رضایت از زندگی مجردی از مواردی است که نشان می‌دهد ارزش‌های فردی در این زمینه از ارزش‌های سنتی و اسلامی فاصله گرفته و به انگاره‌های آرمانگرایانه در خصوص ازدواج نزدیک شده است. این تغییرات ارزشی به گفته اینگلههارت (۱۳۷۳) به این دلیل رخ داده است که زنان به مسایلی بیش از تأمین اقتصادی خود و ارزش‌های مادی می‌اندیشند. وی تحصیلات فرد را شاخصی از موقعیت و امنیت اقتصادی می‌داند و این احتمال را نیز مطرح می‌کند که فراگرد تحصیلات خود به خود ارزش‌های فرامادی را تشویق می‌کند. از منظری دیگر، تحصیلات بالا در زنان می‌تواند به واسطه فراهم کردن زمینه اشتغال و یا حداقل امید به اشتغال، گونه‌ای امنیت اقتصادی برای آنان فراهم آورد و موجب گرایش آنان به ارزش‌های فرامادی شود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، تغییرات ارزشی در سطح خانواده نیز دیده می‌شود؛ زیرا باور خانواده‌ها نسبت به دختران دگرگون شده است. خانواده‌ها مانند گذشته، دختران را ملزم به ازدواج نمی‌کنند و با ازواج زود هنگام آنان موافق نیستند. دختران دیگر نان‌خوری تلقی نمی‌شوند که باید هر چه زودتر از دستشان خلاص شد. افزون بر این‌ها، در بسیاری از خانواده‌ها، تجرد دختران تحصیل کرده، امری منفی تلقی نمی‌شود و خانواده‌ها بر تحصیلات عالی دختران خود اصرار نیز دارند؛ زیرا از نگاه آن‌ها، این امر به دختران منزلت اجتماعی بیشتری می‌بخشد. برخی از زنان مورد مطالعه به دلیل نیاز مالی و عاطفی خانواده به آنان، از ازدواج خودداری کرده‌اند. این امر نیز بیان‌گر گونه‌ای تغییر ارزشی در خانواده است، زیرا چنین انتظاری در گذشته فقط شامل حال پسران می‌شد. انصراف زنان از ازدواج برای کمک به والدین، می‌تواند به این دلیل باشد که در عرف جامعه ما، شرایط پسران و دختران برای کمک به والدین، هم از نظر موقعیت آنان پس از ازدواج و هم به لحاظ نوع خدماتی که می‌توانند ارائه دهند، متفاوت است. مرد متأهل در کمک (به ویژه مالی) به والدین خود آزادتر است و تأهل او مانع جدی‌ای برای این امر نیست. در حالی که دختران پس از ازدواج برای کمک مالی به خانواده به اندازه پسران آزادی عمل ندارد؛ ضمن آن که دختران در نگهداری و مراقبت از والدین، از توانایی حوصله و مهارت بیشتری برخوردارند. این امر نیز مستلزم صرف وقت زیادی است که یک زن متأهل به دلیل دغدغه‌های زندگی خانوادگی خود، از آن محروم است. از این رو اغلب دخترانی که در این پژوهش، خانواده به وجودشان نیاز داشته، ترجیح داده‌اند ازدواج نکنند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، تحول شرایط اجتماعی نیز در تجردگزینی زنان نقش دارد. از نظر مصاحبه‌شوندگان، اهمیت دادن جامعه به تحصیلات عالی، اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی دختران، وجود امکانات متنوع برای پر کردن اوقات فراغت

افراد صرفنظر از جنسیت آنان، زمینه را برای زندگی مجردی زنان بدون نگرانی از تنهایی فراهم آورده است. شرایط اجتماعی می‌تواند به قدری تأثیرگذار باشد که تغییرات ارزشی در خصوص ازدواج دختران در سطح فردی و خانوادگی نیز به نوعی تحت تأثیر آن قرار گیرد. از یک سو تحصیلات، صاحب نظر بودن و استقلال رأی داشتن، فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال و مواردی مانند این‌ها ملاک ارزشمندی و منزلت فردی به شمار می‌روند و از این رو دیگر مانند گذشته دختران نیازی نمی‌بینند که برای پذیرش اجتماعی، به هر قیمتی ازدواج کنند. از سوی دیگر، رواج بی بند و باری در جامعه، افزایش طلاق و ابراز نارضایتی اغلب زنان متأهل از زندگی مشترک، و عادی شدن پدیده تجرد دختران در جامعه، نگاه کاسبکارانه و فایده‌گرایانه مردان به ازدواج (که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند)، تغییر ارزش‌ها را به گونه‌ای بارز به نمایش می‌گذارد.

نکته آخر آن که تجرد قطعی اغلب مشارکت‌کنندگان، به علت آرمان‌گرایی در انتخاب همسر و نیافتن همسر مناسب بوده است و این ویژگی در مصاحبه با بیشتر آنان آشکارا دیده می‌شد. علت آرمان‌گرایی، این دختران که اغلب تحصیل کرده و شاغل هستند، می‌تواند به دلیل موقعیت اجتماعی و نیرومندی پیوند آنان با شبکه دوستان باشد. امری که به کاهش نقش والدین در این خصوص و گذاشتن مسئولیت این تصمیم‌گیری به خود دختران انجامیده و سبب شده است معیارهای آرمان‌گرایانه همسرگزینی (تحت تأثیر نفوذ دوستان)، جایگزین ملاک‌های منطقی شود و دختران در انتظار مرد ایده‌آل، فرصت‌های ازدواج را از دست بدهند. ایده‌آل‌گرایی این زنان (با توجه به گستره سنی آنان) همچنین می‌تواند به علت نشو و نمای آنان در فضای آرمان‌گرایانه جامعه در سال‌های آخر حکومت پهلوی و دهه اول پیروزی انقلاب اسلامی باشد. پیامد آرمان‌گرایی حاکم بر جامعه در این دوران برای جوانان و از جمله دختران می‌توانسته این باشد که آنان همه چیز را در حد ایده‌آل آن بخواهند. علت این آرمان‌گرایی هرچه باشد، در تصمیم‌گیری این زنان برای ازدواج اثرگذار بوده است. می‌توان گفت این آرمان‌گرایی برآمده از ارزش‌های فرامادی جوانان این دوره سنی است. آرمان‌گرایی و ارزش‌های فرامادی این زنان، به توصیه اسلامی انتخاب همسر هم‌کفو جنبه آرمان‌گرایانه بخشید به گونه‌ای که هزینه ازدواج را برای آنان افزایش داد و جاذبه ازدواج را با پایین ارزیابی کردن فایده آن کاهش داد. این نگاه فرامادی و آرمان‌گرایانه به ازدواج، تصمیم‌گیری در این زمینه را پیچیده و مستلزم احتیاط و دقت بسیار ساخت و سبب شد انتخاب همسر هم‌کفو برای این گروه سنی از دختران، آنقدر به طول انجامد که دیگر شانس برای ازدواج مناسب باقی نماند و تجرد قطعی رخ دهد. در این

راستا باید به این امر توجه داشت که همه مشارکت‌کنندگان، حتی آنان که در گذشته تمایل به ازدواج داشته‌اند، گفته‌اند که دیگر هرگز ازدواج نخواهند کرد. بنابراین، در چارچوب راهبرد نظریه زمینه‌ای، می‌توان گفت که «آرمان‌گرایی» دختران مورد مطالعه، حلقه مفقوده مورد جست‌وجوی این پژوهش بوده است. در واقع ایده آل‌گرایی به معیارهایی برای انتخاب مرد هم‌کفو به عنوان توصیه‌ای اسلامی، شکل داد که برآمده از ارزش‌های فرامادی برآمده از شرایط زندگی مدرن بوده است. معیارهای پیچیده‌ای که در عمل، انتخاب همسر را توسط این دختران دشوار و در مواردی ناممکن ساخت. از این رو برای جلوگیری از گسترش این پدیده، نسل جوان باید متقاعد شود که ازدواج از هنجارهای زندگی اجتماعی است. فقط باید آنان راه انتخاب درست همسر را بیاموزند تا دچار آرمان‌گرایی در این خصوص نشوند. آگاهی بخشی در این خصوص، مستلزم همکاری جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و همه نهادهای فرهنگی و حوزوی است.

منابع

- «ارائه آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال: سن تجرد قطعی ۴۹ سال اعلام شد/ افزایش آمار طلاق همچنان ادامه دارد»، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۳، در <http://fhnews.ir/fa/news/78013/>
- «آمار سن ازدواج در کشور: ۱/۳ میلیون جوان ایرانی مجرد مانده اند»، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ در: <http://www.mehrnews.com/news/2569343>
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، تهران: انتشارات کویر.
- پورکتایی، حبیب و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، «علل افزایش سن ازدواج در دختران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱: ۳۴-۷.
- حسینی، سید حسن و ایزدی، زینب (۱۳۹۵)، «پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران»، *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، دوره ۱۴، ش ۱: ۴۱-۷۲.
- ضرابی، وحید و سید فرخ مصطفوی (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی»، *نشریه پژوهش‌های اقتصادی*، دوره ۱۱، ش ۴: ۳۳-۶۴.
- قادرزاده، امید؛ فاطمه غلامی، الهه غلامی (۱۳۹۶)، «بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجرد»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۵، ش ۳: ۴۲۶-۴۰۳.

- قائمی زاده، محمدسلیمان و رسولی، آرزو (۱۳۹۳)، «تحصیلات، جوانان و دیررسی ازدواج (مطالعه موردی: شهرستان گیلانغرب)»، دومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی، سالن همایش های دانشگاه تهران.
- کاظمی پور، شهلا؛ (۱۳۸۳)، *مبانی جمعیت شناسی*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، چاپ دوم.
- کنعانی، محمدامین (۱۳۸۵)، «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه مورد مطالعه: ترکمن ها»، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، سال یکم، ش ۱: ۲۶-۱۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق)، *احکام بانوان*، محقق/ مصحح: ابو القاسم علیان نژادی، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم: چاپ یازدهم.

- Adamczyk, K. (2016). *Singlehood from Individual and Social Perspectives*. Ph. D. Thesis, Institute of Applied Social Sciences, University of Warsaw, Poland.
- Bennett, N. G., D. E. Bloom, and P. H. Craig (1989). "The Divergence of Black and White Marriage Patterns." *American Journal of Sociology* 95:692-722.
- Berg-Cross, L., Scholz, A., Long, J, Grzeszczyk, E., and Roy, A. (2004). "Single Professional Women: A Global Phenomenon Challenges and opportunities". *Journal of International Women's Studies*, 5(5):34-59.
- Bloom, D. E. and N. G. Bennett (1990). "Modeling American Marriage Patterns." *Journal of the American Statistical Association* 85:1009-17.
- Braun, V. & V. Clarke, (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology". *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2): 77-101.
- Douglas H. (2010). "Spinster Defined". Online Etymology Dictionary. Dictionary.com Unabridged. Retrieved 5 June.
- El-Khouly, B., D. Tarek, K. El-Sayed, & M. Magdy (2010 / 2011). *Spinsterhood in Egypt Causes, Consequences, and Solutions*. Cairo University, Faculty of Economics and Political Science, Statistics Department.
- Ferguson, S. J. (2000). "Challenging Traditional Marriage: Never Married Chinese American and Japanese American Women". *Gender and Society*, 14(1): 136-159.

- Glaser, B. G & Strauss (1967). *The Discovery of Grounded Theory, Strategies for Qualitative Research*. London: Weidenfeld and Nicolson.
- Goldstein, J. R. & C., T. Kenney (2001). "Marriage Delayed or Marriage Forgone? New Cohort Forecasts of First Marriage for U.S. Women". *American Sociological Review*, Vol. 66, No. 4: 506-519.
- Hultgren, S. E. (2005). *Contemporary Spinsterhood in Britain: Gender, Partnership Status and Social Change*. Ph.D. Thesis, The London School of Economics and Political Science (LSE).
- <https://en.oxforddictionaries.com>
- <http://www.isna.ir/news/96050301537>
- Kaufman, G. & F. Goldscheider. 2007. "Do Men Need a Spouse More than Women?: Perceptions of the Importance of Marriage for Men and Women." *The Sociological Quarterly*, 48(1): 29-46.
- Kusago, T. (2000). "Why did Rural Households Permit their Daughters to be Urban Factory Workers? A Case from Rural Malay Villages". *Journal of labour and Management in Development*. Vol 1, No.2: 1-24.
- Mitra P., (2004). "Effect of Socio-Economic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal". *Journal of Health and Population*, Vol. 22, No. 1: 69-84.
- Ntoimo Lorretta F. C. & A. Uche, I. (2014). "Determinants of Singlehood: A Retrospective Account by Older Single Woman in Lagos, Nigeria". *Population Studies*. Vol 27, No 2: 386-397.
- Rashad, H.; M. Osman & F. Roudi-Fahimeh (2005). "Marriage in the Arab World". *Population Refrence Bureau*. available in: http://www.prb.org/pdf05/MarriageInArabWorld_Eng.pdf
- Tanturri, M. L. and Mencarini, L. (2008). "Childlessness in Italy". *Population and Development Review*, 34 (1): 51-77.
- www.islamweb.net/womane/printarticle.php?id=149275/2017/4/7-
- Yoshid, A. (2017). "Unmarried Woman in Japan: the Drift into Singlehood". *Research on Gender in Asia Series*. London & Newyork: Routledge.